

بحران محیط زیست و انتقال آب

ورژن پیاده شده‌ی یک مصاحبه‌ی تلویزیونی با یک مقدمه

۲۸ اسفند ۱۳۹۷

مقدمه

مسالهی محیط‌زیست همواره یکی از مسائلی بوده است که برای من به عنوان یک فعال مارکسیست و منتقد اجتماعی حاوی اهمیت بسیاری زیادی بوده است و یکی از کسانی بودم که در این حوزه فعالیت‌های کوچکی انجام داده‌ام. تفاوت یکی از این فعالیت‌ها که در فضای مجازی منتشر شده است، گفتگویی است که با علی زیدونی در سال ۱۳۹۷ داشتم. یکی از بنیادی‌ترین مشکلی که من با بسیاری از مدعیان فعالیت در حوزه‌ی محیط‌داشته و دارم، این است که اکثریت این افراد فاقد یک سیاست عمومی انقلابی در برخورد به تخریب سیستماتیک محیط زیست توسط نظام سرمایه‌داری و مناسبات کالایی بوده و هستند و در بسیاری از مواقع مسالهی محیط زیست را تا حد مسالهی انرژی تقلیل می‌دهند و بر سر راهکار هم به توصیه‌های اخلاقی به افراد در مورد رعایت در مصرف اکتفا می‌کنند. این مساله اما تنها یک بخش بسیار کوچک از یک پدیده‌ی است که به مراتب بنیادی‌تر از آن است که مدافعین سرمایه‌داری سبز به دنبالش هستند. سرمایه‌داری سبز افسانه‌یی است که مدافع گریل نیودیل راه انداختند. از دوران طرح مسالهی محیط‌زیست توسط طیف سوسیال‌دمکرات کینزیانیستی تا امروز محیط زیست انسان بیش از کل تاریخ سرمایه‌داری به شکل سیستماتیک تخریب شده است و سوسیال‌دمکراسی نه‌تنها نتوانسته است مانع این تخریب سیستماتیک و بی‌رویه شود، بلکه خود یکی از عوامل اصلی این تخریب است.

در اینجا لازم است که تفاوت دیدگاه انقلابی و مارکسیستی و رئال‌پولیتیک انقلابی در برخورد به مسائل مربوط به حوزه‌ی محیط زیست در مقابل تمام دیدگاه و راهکاری بورژوایی دیگر مطرح شود. انتشار این گفتگوی تلویزیونی

در قالب متن با این مقدمه تلاشی کوچک برای طرح این مساله در فضای سیاسی مارکسیستی در ایران است.

در زمینه اکولوژی بحث‌های زیادی از جانب متفکران مختلف حوزه‌های مختلف، فعالین سیاسی، دولت‌ها و نهادهای سیاسی و غیره مطرح است و هر کس، هر حزب، هر دولت و جریانی در تلاش است از زاویه منافع طبقات و اقشار و گروه‌های مشخص به این مسئله پاسخ دهد. در این شکی نیست که مسئله محیط‌زیست به عنوان یکی از مسائل بنیادین که جهان را بر سر دو راهی نابودی کره زمین و رهایی از این نابودی و کمونیسم قرار داده است. کمونیسم سیستمی است که در آن رابطه انسان با طبیعت از حالت رابطه کالایی و سوژه و ابژه رهایی باید بیابد و تبدیل کردن طبیعت به ابزاری برای خلق ارزش اضافی باید نابود یابد. در این میان اما جریانی که صدای بلندتری دارد و شنیده می‌شود، نه جنبش کمونیستی، بلکه آلترناتیوهای بورژوایی مبلغ یک سرمایه‌داری سبز است که گرین نیو دیل¹ و احزاب سبز امپریالیستی است که می‌خواهند از طریق محافظت از سیستم کاپیتالیسم یک کاپیتالیسم سبز را شکل بدهند. جریان دیگری که مسئله محیط‌زیست را به مبنایی برای بحث و گفتگو تبدیل کرده است، جریان اکوفاشیسم است. نمایندگان اکوفاشیسم خواهان بازگشت به گذشته به جای نجات آینده از ارتجاع گذشته و حال هستند.

در شرایطی که ما به سر می‌بریم، مسئله آینده بشر در کره زمینی که توسط سرمایه‌داری در حالت بلعیده شدن است، به یک مسئله واقعی اکثریت مردم تبدیل شده است و حول این مسئله آلترناتیوهای متفاوت شکل گرفته‌اند. آلترناتیو راست که ممکن است این جا و آنجا بحث اکولوژی را مطرح کند، بازگشت به طبیعت در شکل عرفانی خود و رابطه ازوتریک انسان به طبیعت را مطرح می‌کند. این شیوه جهان بینی و این آلترناتیو رمانتیک ممکن است در میان جریانات آنارشستی هم وجود داشته باشد. آنارشست‌هایی که رهایی آینده را از طریق بازگشت به زندگی ماقبل فئودالی جستجو می‌کنند، با جریانات فاشیست ضد تکنیک در برخورد رمانتیک با آلترناتیو مشترک هستند.

¹ Green new deal

جریان انقلابی و رادیکال، جریانی که بُعد تخریبگر تکنولوژی را به خوبی می‌بیند، اما به هیچ وجه بر این عقیده نیست که برای رهایی انسان از در افتادن به موقعیت ابژگی در رابطه بین ماشین و انسان (سوژه‌گی ماشین و ابژه شدن انسان) برخورد با تکنولوژی‌ای که در تخریب کره زمین نقش زیادی دارد، تکنولوژی را به کلی تخریب کنیم و بازگشت به گذشته را به عنوان آلترناتیو آینده معرفی کنیم، بلکه دقیقاً به دنبال آن است که از تکنولوژی‌ای که انسان با کار خود تا امروز خلق کرده است، برای رفع نیازهای کل انسان‌ها و نه صرفاً خلق ارزش اضافی به نفع یک لایه از جامعه بهره گرفت و انسان را از تبدیل شدن به برده ماشین و کالاها رها کرد. در جامعه آتی لازم است که انسان‌ها بر اساس نیازهای انسانی‌شان تولید کنند. تولید با برنامه مشخص و رها از ارزش و مناسبات کالایی هم ممکن است برای محیط‌زیست تخریبگر باشد، اما عواقب این تخریب شاید یک دهم و شاید یک صدم عواقب تخریبی باشد که بورژوازی در پنجاه سال گذشته به محیط‌زیست تحمیل کرده است. از آنجایی که در جامعه سرمایه‌داری تولید نه با انگیزه رفع نیازهای انسان‌ها، بلکه با انگیزه کسب سود و ارزش اضافی صورت می‌گیرد، ما از یک طرف شاهد تخریب سیستماتیک محیط‌زیست توسط سیستم دراکولایی بورژوازی داریم و از طرف دیگر مسئله فقر و گرسنگی میلیون‌ها و میلیارد‌ها نفر را در سراسر این کره خاکی داریم که پول لازم برای خرید کالاهایی که در سطح انبوه تولید می‌شوند، را ندارند. ادامه به این وضعیت بردگی مطلق تحت هر اسمی، چیزی جز بازتولید و تمدید بردگی بشر نیست و اگر کسی بخواهد انسان را از بردگی کالاها، از استثمار و ستم و برده‌داری مدرن رها کند، نمی‌تواند این توهم را گسترش دهد که از طریق رفرم و "سرمایه‌داری سبز"، حل مسئله انرژی از طریق جایگزینی انرژی خورشیدی و اتمی و یا مسئله توزیع سرمایه حل کرد.

رهایی انسان ممکن نیست، تا زمانی که یک طبقه برای طبقات دیگر از طریق فروش نیروی کارش ارزش اضافی خلق کند و طبقه دیگری محصول کار طبقه کارگر و تحت ستم را که در "میزان کار اجتماعاً لازم" به شکل ارزش و پول و در نهایت سرمایه خود را به نمایش می‌گذارد، به شکل قانونی در چارچوب قوانین موجود در جهان سرمایه‌داری تصاحب کند. تصاحب محصول کار

کارگر و ستم‌کشان جهان از جانب لایه‌هایی از جامعه یعنی برده‌داران مدرن، از نظر حقوقی (حق انسان و نه قوانین حاکم که به اسم حق شناخته می‌شوند) یک تبهکاری مطلق است و از آنجایی که کارگران حقوق و امکانات و ارزشی که محصول کارشان یا به تعبیر بهتر ارزش اضافی‌ای که محصول یک کار اضافی مجانی است که کارگر برای صاحب کار یا سرمایه‌دار انجام داده است، را از راه‌های قانونی نمی‌توانند پس بگیرند، لازم است به شکل فراقانونی برای گرفتن حق خود به میدان بیایند. برای اینکه کارگران بتوانند به این امر دسترسی پیدا کنند، قبل از هر چیز باید جایگاه خود را به عنوان طبقه در یک پروسه هستی‌شناختی (شناخت از جایگاه خود و جایگاه دیگران) بشناسند و برای تغییر این جایگاه و بیرون آمدن از موقعیت بردگی و شیء وارگی به میدان بیایند و در سازمان سیاسی و انقلابی متشکل شوند. از آنجایی که مبارزه با آگاهی کاذب (آگاهی وارونه‌ای که از نظر طبقه حاکم نه تنها وارونه نیست، بلکه واقعی و طبیعی است) و ایدئولوژی طبقه حاکم نیازمند میزانی از آگاهی جوهری و نه صرفاً "آزیتاسیون" هوچی‌گرانه است، ضروری است فعالین مدافع طبقات تحت ستم جایگاه خود را از لحاظ تئوریک ارتقا دهند و از طریق ارتقای آگاهی خود در پروسه شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در سطح وسیع‌تر نقش ایفا کنند.

به همین خاطر لازم است که ما برای شکل دادن به یک گفتمان ایدئولوژیک انقلابی و مترقی که به دنبال رهایی انسان از ابژگی است، و قابل رؤیت کردن ایدئولوژی‌ای که مشکلات و معضلات جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم برای می‌کنند و وارونگی‌ای که در عرصه زندگی مادی و شیوه تولید مادی سرمایه‌دارانه حاکم است، به مردم و قشر ستمدیده از طریق می‌کند، برای تولید متون، مقالات تئوریک، پادکست، ویدیوهای یوتیوب، نشریه و گفتمان شفاهی به صورت جمعی متحد شویم. فعالیت‌های فردی از آنجایی که مورد نقد و بررسی جدی تئوریک از بیرون قرار نمی‌گیرد، امکان این را پیدا نمی‌کند خود را شکوفا کند و ضعف خود را برطرف کند. اندیشیدن پروسه‌ای جمعی است، همان‌طور که مبارزه و سازمان‌یابی و سازماندهی کاری جمعی است.

باتوجه به بحران آب فعلی در ایران، بحرانی که توسط سرمایه‌داری فاشیستی اسلامی شکل گرفته است، لازم دانستم این مصاحبه را در این شکل منتشر کنم.

Hassan Maarefipour حسن معارفی پور

امیدوارم خواننده بتواند از درون این مصاحبه و این مقدمه یک پراکسیس منطقی را بیرون بکشد.

گفتگوی علی زیدونی با حسن معارفی پور

این مصاحبه توسط علی زیدونی صورت گرفته و پیاده و تایپ شده است.

مصاحبه‌کننده علی زیدونی:

زیدونی با سلام به شما همه بینندگان عزیز و ارجمند. همانطور که می‌دانید این روزها بحث انتقال آب از دریای خزر به سمنان هست. روحانی رئیس جمهور ایران و کسی که از استان سمنان برخاسته در توجیه انتقال آب دریای خزر به مناطق کویری استان سمنان گفته که قوانین بین‌المللی برای ما نوشتند که پیشرفت نکنیم.

در سال‌های اخیر بحث انتقال آب در ایران بسیار داغ شده است، درگیری‌هایی هم در نقاط مختلف ایران بر سر مسئله آب به وجود آمده مشخصاً می‌توانیم از بلداجی بگوییم یا اعتراضات مردم آبادان و خرمشهر و همچنین و وحدتیه بوشهر.

بحث تخریب جنگل‌ها و دریاچه‌ها و خشکاندن تالاب‌های ایران دیگر بر همگان پوشیده نیست و یک مسئله علنی شده است.

بحث گرد و خاکی که در خوزستان به راه افتاده و تالاب هورالعظیم خشک شده و بقیه تالاب‌های خوزستان از جمله شادگان برای دستیابی بیشتر جمهوری اسلامی به منابع نفتی همه این‌ها بحث محیط زیست در ایران را بسیار پر اهمیت کرده.

امروز با حسن معارفی پور هستیم تا در مورد مسئله محیط زیست در عرصه جهانی و همچنین اهمیت آن در ایران صحبت کنیم.

رفیق حسن به این برنامه بسیار خوش آمدید.

حسن معارفی پور: خیلی ممنونم که مرا به این برنامه دعوت کردید.

علی زیدونی: خواهش می‌کنم زنده باشید.

رفیق حسن همانطور که در ابتدا گفتیم بحث محیط‌زیست هم در عرصه جهانی بسیار پر اهمیت است کما که گفته می‌شود جنگ‌های آینده بشری بر سر مسئله آب هست به ویژه در منطقه کم آب خاورمیانه که ایران هم آنجا واقع شده و همچنین همین الان هم ما درگیری‌هایی در ایران بر سر مسئله آب داریم که نمونه‌های آن را خدمت شما عرض کردم.

شما لطفاً بفرمایید که تناقض سرمایه داری در مورد محیط زیست چیه؟ می‌دانیم که سرمایه‌داری برای حداکثر رساندن سود خودش از هر جنایتی ابایی نمی‌کند و به ویژه در مسئله محیط زیست علی رغم اینکه شعار می‌دهند ولی جاهایی که منافع خودشان اقتضا کند کمترین اهمیت را برای محیط زیست قائل نمی‌شوند کما اینکه رئیس جمهور آمریکا از معاهده بین المللی پاریس خارج شده بفرمایید لطفاً.

معارفی پور: قبل از هر چیز خدمت بینندگان شما سلام دارم.

در واقع مسئله محیط زیست و مسئله آب و طبیعت و هوا و درختان و هوای تمیز و زندگی مسئله‌ای است که به حقوق انسانی ربط دارد یعنی هر انسانی حق دارد که از هوای پاکیزه و امکانات تمیز، محیط زیست تمیز و امکاناتی که در محیط وجود دارد به اندازه‌ای که نیاز دارد دسترسی داشته باشد. ولی در سیستم‌های سرمایه داری و سیستم‌های فئودالی و سیستم‌های ماقبل سرمایه‌داری دولت یا حکومت‌هایی که قبلاً وجود داشتند این حق دسترسی افشار و طبقات پایین جامعه چه برده‌ها، چه دهقانان و کارگران را به صورت برابر به زمین و آب و امکانات زندگی می‌گیرند. این مسئله به صورت صلح آمیز پیش

نمی‌رود چون هیچ دولتی نمی‌تواند به شکل صلح‌آمیز و به شکل اتحاد و چیزی که در جامعه شناسی روسو یا جامعه شناس های دیگه به آن قرارداد اجتماعی می‌گویند و هیچ دولتی در نتیجه قرارداد اجتماعی توده مردم ، و نقش طبقات پایین جامعه و دولت سر کار نیامده و این دولت‌های قدیمی می‌گویند که در سیستم پارلمانی این امکانات را داریم ، پس ما نماینده دولتیم این دولت‌ها به هیچ وجه نماینده توده‌های تحت ستم و اقشار پایین جامعه در گذشته تا امروز نبوده و نیستند این دولت‌ها بیشتر نماینده کنسرن ها ، بانک ها و صنایع مالی و اقتصاد مالی ، صنایع مالی و صنعتی هستند.

به همین علت صنایع مالی و صنعتی به راحتی برای دسترسی به مناطق جدید مناطقی که تاکنون کشف نشده از قطع کردن درختان گرفته تا ساختن اتوبان‌های بزرگ و ساختن مسیر راه آهن تا نابودی محیط زیست و تاراه انداختن جنگ‌ها و کشتن انسان‌ها در سطح وسیع و توده‌ای دست نگه نمی‌دارند. مسئله سرمایه‌داری و سیستم‌های طبقاتی در تناقض کامل با حقوق انسان به عنوان فرد و حقوق طبقات پایین جامعه است به همین خاطر آنها حاضرند برای حفظ منافع خودشان همانطور که شما در مقدمه گفتید از انباشت سرمایه گرفته یا به حداکثر رساندن سود تا هژمونی سیاسی ، اقتصادی و هژمونی اجتماعی از هیچ جنگ و جنایتی ابایی ندارند.

خود ترامپ هم در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که اصلاً ما در کره زمین بحثی به اسم محیط زیست نداریم. ولی یک مسئله‌ای هست که متأسفانه ما می‌بینیم که در غرب مسئله محیط زیست یک سبک زندگی شده طبقات بورژوازی به بالا که بزرگترین نابود کنندگان محیط زیست هستند به قول لوکاس از طریق تصمیمات سیاسی که می‌گیرند و به احزاب راست و ارتجاعی در سیستم پارلمانی ارائه می‌دهند احزابی که به جنگ‌های بین‌المللی و جنگ‌ها در کشورهای دیگر دامن می‌زنند یا صادر کنندگان اسلحه در جهان هستند یا احزاب دست راستی ما با یک فرهنگ بسیار بسیار مرموزانه و یک نوع فرهنگ دوالیته مواجه هستیم شما اگر به مدارس و مهد کودک‌ها نگاه کنید به بچه‌ها می‌گویند که شما باید کمتر بخورید یا غذاهای گوشتی نخورید چون آب زیادی برای تولید گوشت و حیوانات به کار می‌رود شما نباید زیاد پلاستیک

Hassan Maarefipour حسن معارفی پور

بخرید و شما باید سبک زندگی که بورژوازی فعلی غربی به یک نوع فرهنگ از بالا به جامعه تزریق می‌کند بپذیرید.

یعنی می‌خواهند حل مسئله طبیعت را به عهده افراد در جامعه بگذارند یعنی هر فردی در قبال شکم خودش مسئول باشد غذاهای ارگانیک بخورد و از طرف دیگر پلاستیک تهیه نکند زباله‌هایش را جدا کند باتری‌هایش را در شیشه بگذارد و کارهای دیگر.

من می‌گویم همه این مسائل مهم است و من می‌خواهم این دوگانگی و دورویی و فرهنگ پوسیده‌ای که بورژوازی ارایه می‌دهد.

احزاب سیاسی بورژوازی که خودشان در راس دولت هستند و دولت‌هایی که با سیاست‌های امپریالیسمی و با سیاست‌های اتمی و جنگ‌هایی که راه می‌اندازند و آزمایش‌های موشک‌های اتمی که برای نمایش قدرت و اقتدار خودشان محیط زیست را به نابودی می‌کشند، دولت‌های که اتوبان‌های بزرگی می‌سازند.

در همین آلمان یک جنگل را دارند به منطقه‌ی تبدیل زغال سنگ تبدیل می‌کنند و همه مقاومت‌های توده‌ای که در این جنگل از ناحیه چپ‌ها است در هم می‌شکنند برای اینکه بتوانند به منافع خودشان برسند.

چون سرمایه‌داری بر اساس سود بنا شده است یعنی هیچ سیستم سرمایه‌داری به قول مارکس شیوه تولید سرمایه‌داری در جهان بدون کسب سود وجود نخواهد داشت برای کسب سود به یک ابزار نیاز دارید که این ابزار بتواند از آن کسب سود دفاع کند و هیچ ابزاری بهتر از دولت نیست و دولتی که در کشورهای غربی وجود دارد به اسم دولت دموکراسی بورژوایی یا هر چیز دیگری که به ما می‌فروشند یا یک ویتروینی به اسم دموکراسی گذاشتند

این دولت علاقه به دیکتاتوری سرمایه علیه طبقات تحت ستم یک دولت امپریالیسمی برای نابودی محیط زیست و بشریت است.

محیط زیستی که ما یعنی کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها در مورد آن صحبت می‌کنیم و محیط زیستی که نیروهای بورژوازی و نیروهایی که در حاکمیت

هستند در مدارس و مهد کودک‌ها و دانشگاه‌ها یک نوع فرهنگ سر مایه‌داری سبز را تبلیغ می‌کنند.

و ما باید کاملاً این‌ها را از هم جدا کنیم.

ولی اگر به بحث‌های کلاسیک و مارکسیستی نگاه کنیم مارکس و انگلس زیاد راجع به مسئله محیط زیست چیزی ننوشتند.

چون در مقطعی که آنها زندگی می‌کردند محیط زیست زیاد مثل امروز اهمیتی نداشت جنگ‌های اتمی در کار نبود ما با بمب اتمی و این مسائل در آن دوران روبرو نبودیم مسئله گسترش ماشین آلات صنعتی و گسترش کارخانه‌های صنعتی در این سطح وسیع در دوران مارکس و انگلس در قرن نوزدهم وجود نداشت برای همین آنها به این مسئله نمی‌پرداختند خودشان هم بارها اعلام کردند ما تنها به مسائلی پرداختیم که از نظر جامعه اهمیت داشت و برای ما و جامعه مهم بود.

ولی رابطه انسان با طبیعت و رابطه استثمار طبیعت و حتی رابطه انسان با زنبور عسل را اگر نگاه کنیم شما اگر کاپیتال را نگاه کنید و حتی مارکس به این مسائل بسیار ریز که چگونه انسان‌ها طبیعت را استثمار می‌کنند.

حتی در سال ۱۸۴۳ در نورد راین و ستفالن آلمان جنگ بر سر مسئله چوب شورش‌های دهقانی شکل می‌گیرد و مردم از جنگل چوب می‌دزدند مارکس برای اولین بار فوکوس می‌کند بر مسئله اقتصاد سیاسی و می‌گوید با حقوق ما نمی‌توانیم این مسئله را توضیح بدهیم و باید به سراغ اقتصاد سیاسی برویم و از طریق بهره گرفتن از اقتصاد سیاسی رابطه انسان با طبیعت رابطه حق انسان برای دستیابی به طبیعت را بررسی کنیم ولی اگر در آلمان شما یک چوب را ببرید پلیس ممکنه شما را دستگیر و زندانی کند ولی اگر دولت کل یک جنگل بزرگ را که هزاران هکتار است نابود کند هیچ سیستمی نیست که این دولت را زیر فشار بگذارد که شما به عنوان دولت و نمایندگان دولت مجرم هستید و به زندان بروید چون زندان شکنجه‌گاه پاسگاه پلیس و نیروی سرکوب دست دولتی است که منافعش با منافع ما به هیچ وجه خوانایی ندارد و دقیقاً در

تقابل با منفعت توده مردم و اقشار پایین جامعه و تحت ستم و اقشار کارگر و زحمت کش است.

علی زیدونی: شما اشاره کردید به اینکه در حقیقت دولت‌ها به ویژه در کشورهای غربی مردم را تشویق می‌کنند به اینکه کمتر آسیب به طبیعت برسانند ولی در عین حال خود دولت‌ها بزرگترین مخرب‌های طبیعت و محیط زیست هستند. می‌خواهم در مورد ایران با شما صحبت کنم. ایران را چطور می‌بینید همزمان که دارند ایران را می‌خشکانند خود دولت اعلام می‌کند که این قوانین یا معاهدات بین المللی که خیلی هم غربی‌ها به آن پایبند نیستند برای فریب دادن ما و ممانعت از پیشرفت ماست و ما نباید آنها را رعایت کنیم این مشخصاً سخن رئیس جمهور روحانی است شما این را چطور در ایران می‌بینید؟

معارفی پور: وضعیت دولت ... در آلودگی و نابودی محیط زیست به شکلی است که من توضیح دادم و تازه این بخشی از یک مسئله بسیار گسترده‌تر است مسئله جنگ‌ها و مواد منفجره‌ای است که در این جنگ‌ها روی سر مردم و طبیعت ریخته می‌شود و تأثیرات آن ممکن است تا سال‌ها باقی بماند.

دولت ایران به عنوان نماینده ی بورژوازی ایران به عنوان نماینده‌ای از دولت‌های بورژوازی غربی اما با یک روبنای کاملاً دیکتاتور یعنی به عنوان یک دولت جهان سومی که اگر بخواهیم مفهوم جهان سومی درست به کار ببریم که من زیاد موافق نیستم یک دولتی است که ساختار سیاسی روبنایی این دولت و زیربنای اقتصادی آن کاملاً بورژوایی است و تفاوتی با دولت‌های غربی از این لحاظ ندارد فقط میزان پیشرفت و پسرفت دولت جمهوری اسلامی در مقایسه با دولت‌های غربی است که آنها را از هم جدا می‌کند. ولی مناسبت‌های تولید در ایران مناسبت تولید بورژوایی است و مناسبت تولید در غرب هم مناسبت تولید بورژوایی است روبنای سیاسی غرب ... و در ایران یک سیستم فاشیستی و دیکتاتور است.

دورویی که دولت‌های غربی با رابطه با محیط زیست دارند، ندارد. دولت ایران به صورت کاملاً... می‌گوید ما محیط زیست را نابود می‌کنیم. مثلاً اگر به

جنگل‌های کردستان ایران نگاه کنیم سال‌های سال است که سپاه پاسداران این جنگل‌ها را به آتش می‌کشد و می‌گوید در این جنگل‌ها نیروهای نظامی، پارتیزان پیشمرگ یا... یا نیروهای دیگر خودشان را قایم می‌کنند ما جنگل را به آتش می‌کشانیم یعنی کاملاً سیستماتیک این کارو می‌کنند دولت ایران اصلاً اهمیتی به محیط زیست نمی‌دهد اگر محیط زیست برای بورژوازی غرب یک بیزینس چرب و نرم شده برای تحمیل توده‌ها و فروش کالاهای بی‌کیفیت احمقانه به مردم کالاهایی که خرده بورژوازی با قیمت ۱۰ برابر از سوپر مارکت‌های بیو و مغازه‌های ارگانیک می‌خرد در ایران چنین چیزی وجود ندارد در ایران مردم مسئله فقر و بدبختی گرسنگی و نان شبشان را دارند در اینجا خرده بورژوازی مرفه دنبال لایف استایل و سبک زندگی اش می‌رود ولی در ایران مسئله این است که سیستم جمهوری اسلامی ایران کاملاً سیستماتیک می‌خواهد محیط زیست را نابود کند و مثل دولت‌های غربی این را در راستای انباشت سرمایه می‌کند.

اگر نگاه کنیم یکی از دلایلی که جمهوری اسلامی آب مناطق مرزی، مناطق کوهستانی به خصوص مناطق زاگرس را به داخل ایران می‌برد مسئله این است که در مناطق مرزی دولت جمهوری اسلامی ایران، سرمایه دار ایرانی یا دولت به عنوان نماینده سرمایه‌داری ایران هیچ موقع احساس امنیت نکرده که در مناطق مرزی سرمایه‌گذاری کند.

علی زیدونی: اشاره شما به سدهایی است که بر روی رودخانه سیروان در استان کردستان و نوار غربی ایران کشیده شده درسته؟

معارفی پور: دقیقاً حتی در ترکیه هم سدهایی ساختند.

علی زیدونی: بزرگترین سد ترکیه به نام ایل سوی ترکیه که بر روی دجله و فرات بسته شده و باعث خشکاندن عراق هم می‌شود.

معارفی پور: دقیقاً این باعث شده آبی که از ترکیه وارد دجله و فرات می‌شود خشکانده شود و این یعنی نابودی شهرها و روستاها و مهاجرت‌های وسیع بی‌آبی فقر بدبختی فقر و چیزی که به صورت سیستماتیک انجام می‌شود.

درست است که همه این دولت‌ها در نهایت سر اینکه این سیستم را نگه دارند با هم هم منفعت هستند ولی بین خود دولت‌های بورژوازی در کشورهای مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد این باعث می‌شود که فراکسیون‌هایی شکل بگیرد و هر کدام از این فراکسیون‌ها بخواهد فراکسیون دیگری را زمین بزند و به عنوان رقیب آن را از میدان به در کند همان کاری که سرمایه‌دارها با هم می‌کنند دولت‌های سرمایه‌داری با همدیگر انجام می‌دهند، اگر غیر از این بود این همه جنگ و کشتار در کشورهای مختلف سر مسائل ارزی خاک زمین و آب شکل نمی‌گرفت.

جمهوری اسلامی دقیقاً این کار را می‌کند جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که برایش امنیت وجود داشته باشد جمهوری اسلامی در اصفهان در سمنان تهران و در شهرهای مرکزی و منطقه‌ای که دسترسی به آنها از مرزهای کشور برای نیروهای نظامی یا نیروهای خارجی یا هر نیروی دیگری سخت است این مناطق را به عنوان نوار امنیتی خیلی مهم برای رژیم جمهوری اسلامی بوده و جمهوری اسلامی حاضر است مردم مناطق مرزی را با خاک یکسان کند ولی این مناطق را نگه دارد و بتواند در این مناطق سرمایه‌گذاری کند.

علی زیدونی: یعنی شما می‌گویید به علت عدم امنیت یا عدم اعتماد جمهوری اسلامی به نوار مرزی یا عدم مسئولیت‌پذیری جمهوری اسلامی نسبت به زندگی مردمان حاشیه مرزها این تبعیض سیستماتیک قائل می‌شود نسبت به این مردمان و بیشتر در مناطق مرکزی و کویری سرمایه‌گذاری می‌کند درسته؟

معارفی پور: دقیقاً این مسئله دو بخش دارد اولاً جمهوری اسلامی از لحاظ ایدئولوژیک یک رژیمی است که ایدئولوژی‌اش بر اساس یک ایدئولوژی شبه فاشیستی است یعنی ۸۰ درصد خصلت‌های سیستم فاشیستی را دارد.

برای همین تبعیض مردمان تحت ستم، فقیر و مردمان حاشیه‌ای کشور برای جمهوری اسلامی یک چیزی است که به صورت سیستماتیک انجام می‌شود.

ولی مسئله اصلی برای جمهوری اسلامی مسئله اقتصاد است اینکه سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی به چه شکلی پیش رود و از این طریق چجوری جمهوری اسلامی بیشترین سرمایه را انباشت کند برایش اولویت دارد و مسئله دیگری که وجود دارد این است که در اصفهان یا شهرهای دیگر مرکزی کشور همیشه پایگاه‌های بسیج، پایگاه حزب الله و نیروهای جمهوری اسلامی بودند و یک پاتوق مهم برای جمهوری اسلامی بوده ولی این مسائل مسائلی هستند که تحت پوشش مسائل اقتصادی و اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و جمهوری اسلامی برای همین می‌خواهد آب آشامیدنی که مردم به آن نیاز دارند در مناطقی مثل لرستان و خرم آباد و شهرهای دیگر ایران این آب را به عنوان آب برای صنعت خودش به مناطق کویری برساند و مردم این مناطق امکان ادامه زندگی کشاورزی، پول در آوردن، کار و زندگی نداشته باشند برای همین مهاجرت‌هایی به شهرهای مختلف ایران صورت می‌گیرد.

علی زیدونی: جهت اطلاع شما با توجه به اینکه یک سری مخالفت‌هایی در استان‌های لرستان چهارمحال بختیاری، لرستان و بویراحمد و خوزستان به وجود آمد حتی وزارت کشور سعی کرد که بخش‌های پرآب استان لرستان و همچنین چهارمحال بختیاری را ضمیمه استان اصفهان کند که البته با مخالفت‌هایی هم روبرو شد و نهایتاً وزارت کشور در سایتش آن نقشه را حذف کرد و نقشه واقعی را گذاشت طبق آن نقشه استان اصفهان اتوماتیک همسایه استان خوزستان می‌شد در صورتی که در حال حاضر استان چهارمحال بختیاری حایل بین استان اصفهان و خوزستان است.

به هر حال بگذریم این را جهت اطلاع شما و بینندگان عزیز گفتیم.

چند دقیقه دیگر وقت داریم من دو سوال از شما دارم یک سوال اینکه می‌بینیم که مسئله محیط زیست در اپوزیسیون ایران و به ویژه چپ‌های ایران آنقدر پرداخته نشده و نمی‌شود و هر از گاهی که در داخل کشور اعتراضی صورت می‌گیرد و آنها یک عکس‌العملی نشان می‌دهند یعنی در برنامه‌های این‌ها هیچ اهمیتی برای مسئله محیط زیست قائل نشدند اگر من اشتباه می‌کنم لطفاً مرا تصحیح کنید علت این چیست و سوال دوم اینکه عده‌ای در حال حاضر که من

و شما با هم صحبت می‌کنیم در زندان هستند از فعالین محیط زیستی چه آنهایی که در مورد گونه‌های جانوری تحقیقات می‌کردند و مرتبط با آقای کاووس سید امامی بودند که در زندان کشته شد و چه فعالین جنبش مخالفت انتقال آب در جنوب به ویژه آقای یوسف فرهادی بآبادی در زندان هستند چطور می‌شود اعتراضات را علیه انتقال آب و تخریب محیط زیست افزایش داد و یک جنبش مدنی قوی در ایران علیه این سیاست‌های جمهوری اسلامی به وجود آورد؟

معارفی پور: در مورد سوال اول در واقع من هم می‌دانم که احزاب سیاسی چپ اپوزیسیون چیزی راجع به محیط زیست برای گفتن ندارند و تنها چیزی که من از آنها دیدم یک مصاحبه با منصور حکمت بود که می‌گفت اگر باتری‌هایی که مصرف کردید را در سطل زباله بیندازید، یک میلیون سال هم این کار را بکنید به اندازه یک بمب اتمی که منفجر می‌شود تاثیر نمی‌گذارد این درسته اما مسئله‌ای که هست این است که تخریب سیستماتیک محیط زیست توسط دولت‌ها و دولت‌های سرمایه‌داری و کشورهای امپیرالیسم و کشورهای منطقه‌ای به مراتب وسیع‌تر از مسئله‌ای است که ما به صورت فردی و شخصی کاری می‌کنیم مثلاً اگر شما لیوان شیشه‌ای را که می‌شکند در سطل زباله غذا بیندازید تاثیر مخربی ندارد ولی موقعی که یک کشور یک بمبی را به یک کشور دیگر شلیک می‌کند ممکن است سال‌های سال طبیعت و منابع زیرزمینی آلوده شوند مردم مریض شوند و دچار سرطان و مسائل دیگر شوند همانطور که ما در حلبچه کردستان عراق دیدیم چه جوری هزاران نفر سر مسئله مواد شیمیایی سرطان گرفتند. برای همین این مسئله برای آنها اهمیتی ندارد چون فکر می‌کنند من اینطور حدس می‌زنم که مسئله محیط زیست یک مسئله‌ای است که مال سبزه‌ها و بورژوا هاست و رفتن به سراغ این مسئله باعث می‌شود که شما تبدیل به یک آدم بورژوایی بشوید، این غلط است من می‌گویم نماینده ناتور یعنی طبیعت و کسانی که طرفدار اکولوژی هستند در غرب دو دسته وجود دارند

کمونیست‌هایی که از محیط زیست دفاع می‌کنند همیشه می‌گویند ما از نیچر یا ناتور دفاع می‌کنیم یعنی هر چیزی که در طبیعت و جهان اطراف ما است.

دسته دوم مربوط به اکولوژی یا جنبش‌های سبز یا جنبش‌های پاسیفیس که در سیستم‌های دولتی جذب شدند که خودشان بخشی از حاکمیت هستند ، از طریق سبک زندگی ، کنترل شکم ، گیاهخواری و انتخاب غذاهایی که می‌خوریم را تبلیغ می‌کنند .

فکر می‌کنم چپ ایران هنوز به این میزان از آگاهی نرسیده که به این مسئله توجه کند برای همین هم برایش زیاد اهمیت پیدا نکرده.

راجع به سوال دوم ما می‌دانیم که مسئله انتقال آب از استان‌های غرب یا جنوب غرب کشور به اصفهان و استان‌های مرکزی مسئله‌ای است که با نابودی پایه‌های زندگی اجتماعی مردم که بیشتر از طریق دامداری و کشاورزی یا کارهای دیگر زندگی می‌کنند تمام زندگی آنها را به تباهی می‌کشاند و مردم این مسئله را درک کردند و می‌دانند که باعث می‌شود این مناطق که سرسبز هستند و از لحاظ آب و هوایی آب و هوای بسیار مرطوبی دارند به مرور زمان مثل اهواز یا مناطق دیگر خشک شوند و گرد و خاک ایجاد شود و امکان زندگی وجود نداشته باشد و حتی به آب آشامیدنی سالم محتاج باشند مردم این مسئله را درک کردند و دست پیدا کردن به این آگاهی و این آگاهی تبدیل به یک جنبش اجتماعی می‌شود که ۴۰ هزار نفر را در ایزه به میدان می‌آورد یا در خوزستان ، لرستان و بویراحمد.

به نظر من باید از این جنبش اجتماعی دفاع کرد این جنبش را کانالیزه کرد این جنبش نباید در حاکمیت بلعیده شود اگر دقت کنید در غرب جنبش‌های سبز که در دهه ۶۰ و ۷۰ یا ۸۰ پارلمان‌های اروپا بافندگی می‌کردند و لباس از بیرون نمی‌خریدند و می‌گفتند ما باید خودکفا شویم، نان را در خانه خودشان درست می‌کردند و با خودشان به جلسات پارلمانی و سر کار می‌بردند این نیروها توسط سیستم بورژوازی غرب بلعیده شدند یعنی جذب شدند در سیستم دولتی به بخشی از این سیستم تبدیل شدند و الان اگر نگاه کنیم حزب سبز آلمان یکی از محافظه‌کارترین و ارتجاعی‌ترین احزاب پارلمان آلمان است یعنی راسیستی ترین برنامه‌ها را در زمینه مسائل پناهندگی دارد نه از جنگ دفاع می‌کند نه از صدور اسلحه دفاع می‌کند از کشورهایی مثل عربستان سعودی دفاع می‌کند

و این حزبی بود که پایه‌های اساسی‌اش را در مبارزه علیه شکل‌گیری بمب اتم یا مبارزه علیه جنگ ویتنام... پیدا کرد. در آن موقع آنها از گفتمان چپ برای مبارزه با سرمایه‌داری بهره می‌گرفتند الان خودشان سرمایه‌داران محافظه کار علیه بشریت و توده مردم هستند.

باید این دقت را داشته باشیم که هر نیروی سیاسی هر نیروی اجتماعی که در جامعه ایران بخواهد با جمهوری اسلامی سر هر مسئله‌ای در بیفتد مبارزه‌اش یک مبارزه سیاسی است مسئله این است که نیروهای سیاسی بورژوایی و جنبش‌های اجتماعی که فعال هستند افقشان محدود است و فراتر از مناسبت‌های بورژوایی نیست و در بهترین حالت می‌خواهند جامعه ایران را مثل یک جامعه غربی کنند که یک مسئله ایده آل است که هیچ موقع شکل نخواهد گرفت یعنی صدها سال دیگر هم طول می‌کشد که بخواهند این کار را بکنند چون جامعه به شکل دیگری پیشرفت می‌کند تا ما به این مرحله برسیم آنها ۱۰ مرحله جلوترند و این را به عنوان یک هدف انتخاب کردند که می‌خواهیم در ایران یک سیستمی درست کنیم که مثل سیستم‌های غربی کار می‌کند یک ایده احمقانه است که توسط راست‌ها و لیبرال‌ها تبلیغ می‌شود ما باید با این ایده‌ها مبارزه کنیم و بگوییم که مسئله محیط زیست و سرمایه‌داری چه سرمایه داری غربی و چه سرمایه‌داری شرقی و هر نوع شکل سرمایه‌داری نمی‌تواند حل کند چون این سیستم‌ها خواهان استثمار انسان و طبیعت و استثمار انسان و انسان هستند.

علی زیدونی: بسیار متشکرم که در این برنامه شرکت کردید.

معارفی پور: خیلی ممنونم.